

رفقا

این نامه قبل از تصمیم یکجانبه اخیر رفیق حمید نقوائی دایر بر گذاشتن منتخب اسناد در اختیار اعضا نوشته شده است. در سمینار یکشنبه در این مورد صحبت خواهم کرد.

کورس مدرسی

20 اوت 2004

رفقای کمیته مرکزی حزب!

رفقای دفتر سیاسی!

کادرهای حزب کمونیست کارگری!

حزب کمونیست کارگری و از آن مهتر کمونیسم کارگری در بونه آزمایش مهمی قرار گرفته است. شکافی که در حزب باز شده است سرنوشت این جریان را در ابهام فرو برده است. روشن است که در حزب دو جناح یا دو جبهه فعال وجود دارد و عده بیشتری نگران از سرنوشت حزب شاهد کشمکش حاد این دو جناح هستند.

تحلیل ما از خصلت و مضمون این اختلاف هر چه که باشد آنچه که بیش از هر چیز برای همه ما باید مهم باشد موقعیت کمونیسم کارگری در جامعه در فردای بعد از پلنوم یا کنگره حزب است. تصویری که ما از خود به جامعه و به تعداد کثیری از انسانهایی که امید و آینده خود را به ما گره زده اند، میدهیم دامن هر دو طرف این کشمکش را خواهد گرفت. آنچه که روی میز است نه سرنوشت این یا آن جناح، بلکه سرنوشت کل جنبش ما و شانس این حرکت در ایجاد تغییری واقعی در زندگی مردم و در دادن شانسی به تضمین دنیای بهتر است.

رفقا!

حزب کمونیست کارگری دو شقه شده است. این یک واقعیت است که امروز دیگر محتاج گفتن نیست. آنچه که ما بر آن تاکید داریم این است که جریانهای درون این حزب، هر دو، بخش های انتگره این پدیده هستند. حزب کمونیست کارگری یک پدیده واحد تاریخی، سیاسی و تشکیلاتی است. هیچ جراحی تشکیلاتی نمیتواند هیچ یک از این دو بخش را بشیوه ای متمدانه، که مشخصه سنت ما بوده است، از حزب حذف کند. در چنین مسیری کل جریان ما، بعنوان یک سنت متفاوت با آنچه چپ به جامعه ایران داده است از میان خواهد رفت. در چنین صورتی حزب کمونیست کارگری، اگر هم باقی بماند، به یکی دیگر از احزاب متعارف چپ تبدیل خواهد شد. مردم به آن مهر غیر اجتماعی خواهند زد. شانس سیاسی مان را از دست میدهیم.

رفقا!

فائق آمدن بر شکاف کنونی در حزب نه با اندرز ممکن است و نه راه حل تشکیلاتی دارد. با اکثریت رای در پلنوم، در دفتر سیاسی و یا در کنگره فوق العاده، نمیتوان راهی برای حل بن بست کنونی پیدا کرد. جامعه و تاریخ چنین راه حل هائی را نمیپذیرد. نه ما میتوانیم با اتکا به رای جناح مقابل را کنار بزنیم و نه جناح مقابل میتواند با ما چنین رفتاری کند. مبنای این نتوانستن حقوق اساسنامه یا اصول سازمانی حزب نیست. جامعه این را نمیپذیرد. مردمی که امیدشان را به این حزب بسته اند و این حزب و این جریان را با همه ما شناخته اند این را نمیپذیرند. نپذیرفتن جامعه خود را در حاشیه ای شدن حزب، در قطع امید از ما، در از دست

دادن شانس تاثیر در فضای سیاسی ایران و شانس پیروزی کمونیسم خود را نشان خواهد داد. و نه در ماندن و یا نماندن تشکیلاتی ما.

رفقا!

کشمکشی که در جریان است برنده ندارد. تبدیل صف تا دیروز واحد کمونیسم کارگری به دو صفی که بیش از هر چیز نفرت غیر قابل فهم آنها را از هم جدا کرده است، تبدیل صفی که امروز برای جامعه تمایز آنها هنوز روشن نیست، به دو جریانی که این چنین به جان هم افتاده اند به شدت غیر اجتماعی است و جامعه آنها نخواهد پذیرفت. باید برای فائق آمدن بر این وضع یک راه حل سیاسی پیدا کرد. راه حل سیاسی باید مبتنی بر توافق اصولی و قابل دفاع هر دو طرف باشد. با رای نمیتوان این بن بست را شکست.

اگر قرار است در یک حزب بمانیم باید متمدنانه، بر طبق سنت کمونیسم کارگری و بر مبنای اصولی توافق کنیم. اگر قرار است جدا شویم هم باید متمدنانه، باز هم مطابق سنت تاکنونی جدا شویم و در این مورد با هم توافق کنیم. ماندن یا جدا شدن، هر کدام را که انتخاب کنیم، باید در شان و در چارچوب سنت کمونیسم کارگری باشد. بر این جهت میتوان و باید توافق اصولی و قابل دفاع کرد.

رفقا!

در این راستا میخواهیم همه کادرهای حزب را از اصولی که به آن پابند هستیم مطلع کنیم به این امید که کمونیسم کارگری را با هم از این گرداب بیرون بکشیم:

1 - ما با اتکا به رای اکثریت در پلنوم هیچ پلاتفرم یا روشی، در مورد کنگره یا هر چیز دیگری، را به طرف مقابل تحمیل نمیکنیم. توافق ما برای کار کردن در چارچوب حزب باید متکی به توافق واقعی و اصولی هر دو طرف باشد. در نتیجه مطلقاً در پی کنار گذاشتن و یا تصفیه جناح مقابل نیستیم.

2 - پلنوم برای ما جایی است که نهایت تلاش را در رسیدن به توافق اصولی برای متحد ماندن و همچنین تضمین یک پراتیک کمونیستی در حزب، انجام میدهیم.

3 - اگر این تلاش به نتیجه نرسد و اگر مجبور به جدا کردن راهمان شویم، تحزب کمونیستی کارگری برای تحقق برنامه "یک دنیای بهتر" و اجرای استراتژی "حزب و قدرت سیاسی" را در قالب حزب دیگری تعقیب خواهیم کرد. در چنین شرایطی در راستای یک افق و منفعت طولانی مدت تر کمونیسم کارگری از هر ادعائی بر نام یا اموال حزب صرف نظر خواهیم کرد. حزب کمونیست کارگری و نهاد های آن، در چنین حالتی، از نظر ما رسمی هستند. ما تلاش خواهیم کرد که یک جدائی انسانی و حتی المقدور دوستانه را داشته باشیم.

4 - در صورت جدائی ما از حزب کمونیست کارگری، این حزب را نیز ابژکتیو و بر اساس موضع و موقعیت سیاسی آن در جامعه قضاوت میکنیم. بر این مبنا مادام که این حزب در موضع سیاسی مصوب تا کنونی خود ایستاده باشد، از نظر ما یک حزب کمونیستی و انقلابی در جامعه است، آنها را از نظر سیاسی نزدیک ترین متحد سیاسی خود خواهیم دانست. در نتیجه نه نفعی در کم اعتبار کردن افراد و نه در افشاگری از آن داریم.

5 - به اعتقاد ما از حالا تا پلنوم و خود اجلاس پلنوم باید معطوف به تلاش برای تامین وحدت اصولی حزب، اگر ممکن باشد، و یا تضمین و توافق در مورد یک جدائی متمدانه شویم. اگر طرف مقابل ما بر برگزاری کنگره فوق العاده اصرار داشته باشد، این کنگره را میتواند برگزار کند. ما با اتکا به اکثریت رای در پلنوم مانع برگزاری کنگره نخواهیم شد. ما در این کنگره شرکت نمیکنیم.

6 - جامعه و اعضا را باید به شیوه اصولی و سیاسی از اختلاف در حزب و امکان جدائی مطلع کرد. پیشنهاد ما این است که در یک یا دو شماره انترناسیونال ویژه، هر طرف روایت خود از اختلاف و هدف یا راه حل خود را ارائه دهد.

7 - لازم است از هم اکنون پلاتفرم ها و مصوبات پیشنهادی به پلنوم بصورت علنی منتشر گردند و سمینارهای مرکزی در دفاع از این اسناد بصورت علنی برگزار گردند.

رفقا

آنچه در این حزب میگذرد و فضائی که بر حزب مسلط شده است باید تغییر کند. از حالا تا پلنوم را وقت داریم. امیدواریم که این فرصت را هم از دست ندهیم. تلاش کنیم تا با هم ماندن یا جدا شدن مان در سنت کمونیسم کارگری باشد. این را به همه کسانی که چشم امید به ما دوخته اند و به منصور حکمت بدهکاریم.

با احترام

20 اوت 2004

- ۱ - عبدالله دارابی
- ۲ - رحمان حسین زاده
- ۳ - حسین مرادبیگی (حمه سور)
- ۴ - امان کفا
- ۵ - ایرج فرزاد
- ۶ - نسرين جلالی
- ۷ - محمد فتاحی
- ۸ - بهرام مدرسی
- ۹ - اعظم کم گویان
- ۱۰ - مهرنوش موسوی
- ۱۱ - اسد نودینیان
- ۱۲ - کورش مدرسی
- ۱۳ - مظفر محمدی
- ۱۴ - آذر مدرسی
- ۱۵ - اسد گلچینی
- ۱۶ - ثریا شهابی
- ۱۷ - صالح سرداری
- ۱۸ - نسان نودینیان
- ۱۹ - خالد حاج محمدی
- ۲۰ - محمود قزوینی
- ۲۱ - فاتح شیخ
- ۲۲ - مجید حسینی